ساختارهای گناه در فضای مجازی

معاونت تربیت و آموزش

سازمان فضای مجازی بسیج

مقدمه

شبکه‌های اجتماعی سایبری نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی هستند که با این که عمر چندانی ندارند، توانسته‌اند به خوبی در زندگی مردم جا باز کنند. این شبکه‌ها نقش نسبتاً پررنگی در دنیای امروز دارند و در آینده نقش به مراتب بیشتر و مهمتری را در زندگی بازی خواهند کرد.

شبکه‌های اجتماعی سایبری علاوه بر اینکه مرجع تأمین بسیاری از نیازهای فرهنگی و اجتماعی اعضای خود هستند، این امکان را برای اعضا فراهم می‌کنند که همزمان با انجام سایر فعالیت‌های اجتماعی از طریق رایانه یا تلفن همراه، فعالیت خود را در این جوامع مجازی نیز پیگیری کنند.

در حال حاضر خواسته یا ناخواسته، جهان اسلام و سایر جوامع در معرض پدیده جهانی شدن و ابزارهای آن از جمله فضای سایبر قرار گرفته و نمی‌توانند فارغ از تاثیرات آن باشند. از یک طرف اینترنت جزء لاینفک زندگی عصر حاضر شده و روند زندگی امروزی بدون آن به مشکل برمی‌خورد و از طرف دیگر به نظر می‌رسد برخی از بسترهای موجود در این فضا مغایر اخلاق اسلامی و زندگی دینی‌ست و آدمی را به سمت عصیان و گناه سوق می‌دهد. این بدون در نظر گرفتن محتوایی است که مستقیم یا غیرمستقیم دینداری کاربران را نشانه گرفته و در اصطلاح دینی، «ضاله» خوانده می‌شود.

از این رو در چنین شرایطی در برخوردی منطقی با این واقعیت می‌توان ازاز یک سوفرصت‌هایی که فضای سایبر در اختیار قرار می‌دهد استفاده کرد و به ترویجآیین‌های مناسب و مورد پذیرش جامعه اسلامی پرداخت. اما از دیگر سوی، باید برای مقابله با چالش‌هاپیش‌رو، به سمت سالم‌سازی فضای سایبر به سمت یک محیط متقیانه رفت. تقوا به معنای خودکنترلی مستمر و محافظت دائم خود از وساوس و رفتارهای شیطانی و نفسانی می‌تواند از طریق توانمندسازی افراد به خودبازدارندگی سعادت دنیوی و اخروی آنان را رغم بزند.

اما سوال اساسی اینجاست که آیا می‌توان بستر فضای سایبر را از آلودگی‌ها و گناهان زدود؟ اگر خیر، چرا؟ و اگر بله، چطور؟ برای پاسخ دادن به چنین سوالی لازم است، ابتدااین بستر هر چه بهتر شناخته شود و بر اساس شناخت صحیح تصمیم درست اتخاذ گردد.

فضای سایبر به لحاظ ساختاری ویژگی‌هایی دارد که انسان را حتی بدون نیت سوء اولیه، به سمت مرزهای بی‌تقوایی سوق می‌دهد. در واقع فرد با مواجه شدن با فضای سایبر و شرایط خاص محیطی آن و در نتیجه فراهم شدن زمینه گناه، با وساوس شیطانی و نفسانی گوناگونی روبرو می‌شود که باید تلاش کند با سلاح تقوا از شر آنها خلاصی یابد.

نتایج یک تحقیق در سال ۱۳۹۱ حاکی از آن است که بیش از ۸۳٪ کسانی که ارتباط صمیمانه در محیط شبکه اجتماعی کلوب داشته‌اند، ارتباطشان با جنس مخالف بوده است. و کمتر از ۱۷ ٪ بقیه با جنس موافق صمیمی شده‌اند. این آمار از قدرت جذابیت جنسی بین دو جنس خبر می‌دهد. یکی دیگر از جالب‌ترین نتایج این پژوهش این بود که اکثر افرادی که در شبکه اجتماعی کلوب در ایجاد رابطه صمیمانه موفق بوده‌اند، از ابتدا قصد ایجاد چنین رابطه‌ای را نداشته‌اند. این آمار حدود ۶۰ ٪ کل نمونه را تشکیل می‌دهد. این قضیه نشان‌دهنده آن است که ساختارهای شبکه‌های اجتماعی چطور به طور نامحسوس می‌توانند فرد را به سوی گناه اندک اندک سوق دهند (نوروزی اقبالی، ۱۳۹۱: ۱۴۱ و ۱۴۲).

بنابراین می‌توان گفت که محیط سایبر، از لحاظ ساختاری می‌تواند محیطی متفاوت را به نسبت محیط واقعی پدید آورد که فرد حتی بدون آنکه نیت بی‌تقوایی داشته باشد، به ورطه گناه آلوده می‌شود. با این مقدمه، باید گفت این مقاله با رویکرد پیشگیری از گناه (در مقابل رویکرد پیشگیری از آسیب پارادایم دوفضایی) تلاش کرده با توجه به مشاهدات، مصاحبه‌ها و تجربیات زیسته پژوهشگر، دسته‌بندی جدیدی از عوامل ساختاری بی‌تقوایی و گناه ارائه کند که هرچند شاید در بخش‌هایی با پارادایم دوفضایی مشترک باشد اما در واقع تکمله‌ای بر آن بوده و سعی در بسط عوامل یاد شده دارد.

عوامل ساختاری بی‌تقوایی در محیط سایبر

بر این اساس دسته‌بندی، زیر به عنوان علل و عوامل ساختاری بی‌تقوایی در محیط سایبر پیشنهاد می‌شود:

۱. *ناشناخته نشدن (گمنامی)*

گمنامی نسبی در تعاملات اینترنتی به طور قابل ملاحظه‌ای ریسک‌های ناشی از افشاگری را کاهش می‌دهد. از نظر والتر کاربران در ارتباطات رایانه‌واسط به دلیل گمنامی می‌توانند خود را آن‌گونه که مایل‌اند اظهار کنند. گمنامی موجب می‌شود که گیرنده پیام، آن را به بخش‌های تاریک و ناشناخته شخصیت فرستنده تعمیم دهد و برداشت خود را از فرستنده برحسب همین اطلاعات شکل دهد، به این ترتیب فرستنده می‌تواند خود را آن گونه که دوست دارد در ذهن گیرنده به تصویر بکشد. از طرفی دیگر گمنامی باعث می‌شود که افراد تمایل بیشتری به خودافشایی داشته باشند و بدون ترس از قضاوت سایرین به افشای خواسته‌ها و نظراتشان بپردازند(walther,1992: 85) .

این ویژگی باعث می‌شود که فرد با جرات و جسارت بیشتری بدون آنکه خطر ریخته شدن آبروی خود در پیش چشمش مجسم کند، به گناه آلوده شود. چون بیشتر خصوصیات فرد در زندگی واقعی در فضای سایبر قابلیت پنهان

شدن دارد، تمایل به گناهانی که افراد پیش از این از ترس آبروی خود انجام نمی‌دادند افزایش می‌یابد. در این بین دروغ و هویت دروغین یکی از پررنگ‌ترین این گناهان است. چرا که فرد می‌تواند هویت دلخواه خود را با دروغ بسازد و از اینکه در فضای سایبر به شخصیت ایده‌آل خود نزدیک می‌شود لذت ببرد و در ضمن بسیاری از هنجارها را زیر پا بگذارد.

۲. دیده نشدن (خلوت)

وقتی در قلمروی که فرد در آن قرار دارد، کس دیگری حضور نداشته باشد و رفتار او از چشم دیگران مخفی بماند، آن قلمرو را می توان خلوت شخصی نامید. انسان از برخی کارها در آشکار و حضور دیگران پرهیز می کند، ولی چه بسا به محض دور شدن از چشم دیگران مرتکب آن شود؛ زیرا بالقوه خلوت آسیب زا است.

یکی از مصداق‌های بارز خلوت، «خلوت اینترنت» است. اینترنت با توجه به ماهیت، محتوا و شرایط و ویژگی‌هایی که دارد، زمینه را برای انواع انحراف‌های اخلاقی آسان می‌کند. شیطان در همه حال وسوسه‌انگیز است، ولی قدرت وسوسه‌انگیزی و تأثیر وسوسه‌های او در خلوت و در فضایی که فرد بدون آگاهی دیگران، به راحتی امکان دسترسی به انواع تصویرها و محتواهای جنسی مستهجن را دارد، بیشتر می‌گردد.

این خصوصیت ضمن اینکه به کاربر انگیزه گناه می‌دهد، تدابیر پیشگیرانه گناه را نیز با مانع روبه‌رو می‌سازد. مانع بودن فضای سایبر به این سبب است که باعث می‌شود شخص بدون مشاهده کسی یا بی‌آنکه کسی اجازه تعرض به حریمش را داشته باشد، بر اساس میلش عمل کند. بر خلاف دنیای فیزیکی، در فضای سایبر این امکان وجود دارد که کاربران بتوانند در خصوصی‌ترین و ایمن‌ترین مکان، شدیدترین ناهنجاری‌ها را مرتکب شوند. امکان ارتکاب گناه در حریم امن به علاوه امکان مخفی نگهداشتن هویت واقعی، باعث شده که بسیاری از افراد در فضای سایبر در مقایسه با دنیای فیزیکی، چهره یا شخصیت متفاوتی از خود بروز دهند (جلالی فرهانی، ۱۳۸۶: ۱۴۹). بنابراین، محیط سایبر خلوتگهی می‌شود که فرد را وادار می‌کند تا خود را در هر نوع استفاده از امکانات فراهم شده در فضای مجازی آزاد بپندارد.خلوت به معنی حضور در یک فضا بدون وجود شخص سوم است. ایجاد چنین حالتی در فضای مجازی، با هر گفتگوی اینترنتی با نامحرم پدیدار می‌شود. چنین خلوت‌هایی به تدریج قبح گفتگو و خلوت حقیقی را نیز خواهد شکست.اینترنت با ایجاد خلوت‌های فراوان بین محرم و نامحرم، زمینه را برای از بین رفتن حیا در جامعه فراهم می‌کند.

در منابع دینی به این خصوصیت روان‌شناختی انسان که در خلوت‌ها انگیزه گناه در او بیشتر می‌شود، توجه زیادی صورت گرفته است. شاید به علت همین خصوصیت است که در روایات معصومان % مجالست زن و مرد در

مکان‌هایی که شخص سوم آنها را نمی‌بیند، منع شده است و اعتقاد به خداوند به عنوان مراقبت‌کننده و ناظر رفتار و کردار انسان، عامل بازدارنده، نگهدارنده و کنترگر آسیب‌ها و مفاسد اخلاقی و اجتماعی مد نظر قرار گرفته است.

آنچه در بحث هنجارشکنی اخلاقی در فضای سایبر اهمیت دارد، شکستن خلوت اهالی دنیای مجازی با باور درونی به موجود ناظر و شاهد و کنترل‌گر و مجهز ساختن آنها به اعتقاد خدایی است که آشکار و پنهان را می‌داند و کلید اسرار در دستان اوست و به دریاها و ساحل علم داشته هیچ اتفاقی نمی‌افتد که او نداند و هیچ تر و خشکی خارج از قلمرو علم بی‌منتهای او نیست (انعام: ۵۹).

بنابراین، ماهیت اینترنت، ماهیتی است که در آن شیطان قابلیت تاثیرگذاری بیشتری دارد و این فضا وسوسه انگیز است.

۳. کنترل نشدن

هر چند کنترل نشدن از نتایج دیده نشدن است اما در معنا با آن تفاوت دارد. دیده نشدن یعنی عدم نظارت ، کنترل نشدن یعنی رهایی از اعمال سلطه یا فشار هنجاری یا فشار اجتماعی. وقتی می‌گوییم کنترل نشدن منظور آن است که فرد از هرگونه امر و نهی تربیتی مصون است. به طور مثال یک مادر در فضای حقیقی به راحتی می‌تواند بر روابط فرزندش با دیگران نظارت داشته باشد، ولی همین مادر با فن‌آوری امروز نمی‌تواند چندان فرزندش را تحت نظر بگیرد. چرا که حتی اگر وی از سواد رسانه‌ای کافی نیز برخوردار باشد، اینترنت و شبکه‌های مجازی چنان خصوصی و به عبارت بهتر «موبایلی» شده‌اند که فرزند وی می‌تواند به آسانی فعالیت‌های خود در فضای سایبر را از چشم دیگران مخفی بدارد. این امکان به او جرأت می‌دهد تا گناه را تجربه نماید. در حالی که شاید در فضای حقیقی این جرأت و قدرت بر گناه را هیچ‌گاه پیدا نمی‌کرد. کاربر می‌تواند تقریبا در هر مکان و هر زمان وارد فضای سایبر شود و این امر کنترل کردن وی را بسیار سخت کرده است. این اتفاق مخصوصا پس از ورود اینترنت به گوشی‌های همراه و هوشمند شدن گوشی‌ها شتاب زیادی گرفته است.

۴. حس مجازی بودن و حقیقت نداشتن

آنچه از گفته‌های کاربران دو شبکه اجتماعی پلاس و کلوب برمی‌آمد این بود که فضای مجازی احساس واقعی نبودن و حقیقی نبودن را در کاربران مخصوصا به هنگام کار با شبکه‌های اجتماعی افزایش می‌دهد. بدین معنا که فرد وقتی به عنوان یک کاربر اینترنتی و یک عضو از اعضای شبکه اجتماعی نقش ایفا می‌کند، نوعی حس خویشتن خود

نبودن به مانند حس شرکت کردن در یک بازی رایانه‌ای به او دست می‌دهد، به طوری که فرد خود را یک فرد حقیقی بیرونی می‌داند که پس از مقداری هم‌ذات‌پنداری با یک کاراکتر و شخصیت مجازی، به میزانی که آن شخصیت را در تخیلش بپروراند، هویتی غیر از آنچه که هست پیدا می‌کند. گو آنکه گناه را به پای شخص دیگریمی‌نویسند و حتی بیشتر آنکه گناه کردن در دنیای مجازی، خود یک نوع گناه مجازی و غیرواقعی محسوب می‌شود.انتشار فراوان جمله «عالم مجازی هم محضر خداست» در شبکه‌های اجتماعی و اینترنت نشان‌گر این است که این مسئله مورد توافق بسیاری از کاربران مذهبی اینترنت است.

در گفتگوهای اینترنتی، تمام هیبت مخاطب به چند خط نوشته و یک عکس کاهش می‌یابد. هیبت یک نامحرم که فرد در زندگی حقیقی تلاش کرده حریم آن را حفظ کند، در فضای مجازی دیده نمی‌شود. چه بسا در مراودات اول متوجه نشود که فرد مقابل جنسیتی متفاوت با ما دارد و پس از مدتی این تفاوت آشکار شود. به هر حال، جنس مخالفِ مجازی، چند خط نوشته است که به راحتی می‌توان از حریمش گذر کرد. به عبارت دیگر، اینترنت هیبت جنس مخالف را کمرنگ می‌کند بدون آنکه شهوت را کم کرده باشد! به این مطلب، هواهای نفسانی را اضافه کنید تا دلیل گسترش گفتگوی بی‌پروا با نامحرم در فضای مجازی را دریابید.

۵. هم‌سطح‌سازی (یکسان شدن تفاوت‌های ارزشی)

اینترنت، می‌تواند دسترسی عامه به منابع و در نتیجه امید به دموکراسی را بهبود بخشد اما همه این جذابیت‌ها می‌تواند نقاط ضعف آن نیز محسوب شود. عامیانه شدن اطلاعاتی که تا پیش از این در انحصار عده ای خاص بود تبعاتی دارد که از جمله هم‌سطحی و بی‌ارزشی و بی‌تعهدی است. همگان در محیط مجازی به تبادل آراء مشغول اند بدون اینکه مسئولیتی قبول کنند. این شکل از ساحت عمومی دچار نوعی توهم دموکراتیک و در واقع تشویق به بی‌عملی و بی‌تعهدی است. بی‌تعهدی مجازی از این جهت خطرناک است که توهمی از عمل‌گرایی را نیز با خود به همراه دارد. اینترنت مانند توصیفی که کیرکگارد[1] از مطبوعات دارد با همسطح کردن همه چیز و غیر حضوری کردن همه چیز باعث بی‌تعهدی و بی‌تفاوتی می‌شود.

در چنین وضع مدرنی، هم‌سطح‌سازی در گسترهٔ وسیعی انجام شد. حجم وسیعی از اطلاعات توسط مطبوعات و رسانه‌ها در دسترس همگان قرار گرفت و از این طریق ناظرانی بی‌طرف و مجرد از مکان به‌وجود آورد. فقدان چیزی به‌نام «عمل متعهدانه» هم‌سطح‌سازی‌ای به‌وجود آورد که امکان گفت‌وگو، درست یا غلط، عملی یا غیر عملی،

---

[1] Kierkegaard

را به‌طور خنثی دربارهٔ همه‌چیز باز کرد. حتی باوجدان‌ترین و جدی‌ترین مفسران، لازم نیست دربارهٔ آنچه سخن می‌گویند تخصصی داشته باشند و یا موضع منسجمی داشته باشند. کیرکگارد از دو نیروی هولناک در این وضع سخن می‌گفت: مطبوعات و بی‌نامی. وی در مورد مطبوعات در «عصر حاضر» نوشت: «اینجا جایی است که انسان‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن، با ارزان‌ترین قیمت ممکن، در وسیع‌ترین مقیاس ممکن، از اخلاق تهی می‌شوند». فضای پر از اطلاعات گمنام و نبود شور و شوق و تعهد در زمانه عقل‌گرای ما عامه را پدید آورد. عامه خود عامل هم‌سطح‌سازی نهیلیستی است چون وقتی همه‌چیز برای ما یکسان باشد، هیچ تعهدی برای عمل وجود نخواهد داشت. در فضای مجازی چنین وضع نهیلیستی‌ای به‌شدت تشدید می‌شود. این فضا بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که کیرکگارد دربارهٔ آن با نگرانی سخن می‌گفت. هیچ کس مسئولیت دقیق بودن اطلاعات روی وب را به‌عهده نمی‌گیرد. البته اهمیتی هم ندارد که این اطلاعات قابل اعتمادند یا نه زیرا کسی نمی‌خواهد بر پایهٔ آنها کاری بکند. تنها چیزی که اهمیت دارد این است که افراد پیغامهایشان را به یکدیگر بازارسال[۲]کنند. حتی برای این‌که این ساحت بی‌طرفی و گمنامی بیشتر حفظ شود و تعهد در برابر گفتار هر چه بیشتر رخت بندد هر کاربر دارای یک شناسه کاربری[۳]مخفی است که پنهان ماندن وی را تضمین نماید (شقاقی، ۱۳۹۰، ۱۱۴).

همانجا که پیوندی دربارهٔ داستان سخن گفتن خداوند با موسی در وادی طوی وجود دارد، پیوند دیگری شما را به دیدن تصاویر روسپی‌های اوکراینی دعوت کند یا تبلیغی در خصوص انواع لوازم آرایشی وجود داشته باشد. همه چیز یکسان است و تمام تفاوت‌های کیفی از میان برداشته شده است. وضع بی‌طرف و خنثایی که همه تفاوت‌های مرتبه‌ای و ارزشی را یکسان می‌کند. این وضعیت، شخصی را که در محیط حقیقی تقوا داشته (لااقل تقوای ضعف) به سمت عبور از خط قرمزها متمایل می‌کند و وی را به بی‌تقوایی وسوسه می‌کند.

۶. عادی شدن تدریجی گناه

اگر در دهه ۶۰، یک خانم با مانتو در خیابان ظاهر می‌شد، با واکنش مردم مواجه می‌گشت. در دهه ۷۰، این خانم می‌تواند لباس‌های و مانتوهای رنگی نیز بپوشد. در دهه ۸۰، موهای بیرون از روسری یک خانم، اصلا جلب توجه نمی‌کند و در دهه ۹۰ آرایش غلیظ هم عادی شده است. این قضیه در مورد گناه‌های دیگر مانند روزه‌خواری و یا تراشیدن ریش و ... هم تجربه شده است. به این روند گام به گام و تدریجی باعث از میان رفتن قبح گناه و عادی شدن آن می‌شود.

---

۲ Forward
۳ ID

این اتفاق برای اشخاص در فضای سایبر با شدت بیشتری می‌افتد. مثال‌های زیادی را می‌توان در این فضا پیدا کرد. ممکن است یک فرد متدین در ابتدای کار با اینترنت، در نتایج جستجوی عکس گوگل، زنان زیبا و بدحجابی را می‌دید، صفحه را بسته و حتی ناراحت و منزجر شود. اما با تکرار این روند، آهسته آهسته دیده شدن زنان زیبا و بدحجاب در جستجوی اینترنتی و حتی سایت‌های دیگر عادی می‌شود و در این فرایند واکنش وی به تدریج کمتر و کمتر خواهد شد. یا دختر خانم متدینی را در نظر بیاورید که به شدت مراقب روابط خود با نامحرمان است. اما ذیل مطلب[۴] یک آقا که او هم اتفاقا متدین و متشرع است، نظر[۵] می‌گذارد. مرد جواب او را می‌دهد و دوباره آن خانم جوابی به جوابیه او می‌دهد. کم کم مباحثه‌ای اتفاق می‌افتد پیرامون موضوعی که یک مرد نامحرم مطرح کرده است. اگر این مباحثات در روزهای آینده بر سر مطالب دیگر ادامه بیابد، کم کم روابط بین این دو نفر به سمت عادی شدن می‌رود و شاید این فرایند تا ارتباط صمیمی نیز پیش برود.

۷. فراهم بودن شرایط گناه

شخص در فضای سایبر قادر است با یک جستجوی ساده و یا کلیک بر روی یک پیوند، به محتوای ضاله و گناه‌آلود دسترسی بیابد. این شرایط حتی در صورتی که فرد در ابتدای ورودش به اینترنت قصد انجام گناه نیز نداشته باشد، باعث ایجاد وسوسه در دل می‌گردد و شخص را به انجام گناه سوق می‌دهد. این گناه می‌تواند رجوع به محتوای ضاله (به طور مثال عکس‌های مستهجن، یا نوشته‌های منافی عفت و...) و یا ایجاد یک ارتباط ناسالم و یا... باشد.

در واقع فرد در فضای سایبر مجبور است برای آلوده نشدن به گناه همواره به اصطلاح شهید مطهری «تقوای قوت» داشته باشد (ر.ک مطهری، ۱۳۸۹: ۱۸-۲۰). به این معنا که زمینه گناه در اینترنت فراهم است و تنها شخصی می‌تواند خود را در برابر گناه مصون نگاه دارد که بتواند در برابر تمام وساوس بایستد و عنان نفس خویش را به شیطان نسپارد. بالعکس در محیط حقیقی امکان ارتکاب گناه همیشه فراهم نیست و زمینه گناه در بسیاری از موارد باید فراهم شود تا گناه رخ دهد. مثلا اگر شخص اراده کند که گناه چشم‌چرانی را انجام دهد، لزوما می‌بایست در محیطی باشد که نامحرمی حجاب خود را رعایت نکرده باشد و حتی در همین حالت نیز نمی‌تواند خیره خیره نگاه کند، چرا که موجب اعتراض فرد مقابل یا دیگران را فراهم می‌آورد. اما همین شخص در فضای سایبر با یک کلیک می‌تواند به خواست خود برسد. بر همین اساس اگر شخص می‌ترسد که به خاطر استفاده از اینترنت به دام شیطان بیفتد، لازم است به تقوای ضعف پناه برده و از اینترنت استفاده نکند.

---

post
comment

۸. تاثیر افراد مجازی

در فضای واقعی، افراد خود را مقید می کنند که با طیفی از افراد رابطه نداشته باشند. برخی عوامل تعیین کننده برای ایجاد این محدودیت عبارتند از: طبقه اقتصادی، تحصیلات، سن، باورهای دینی، نوع شغل و... اما در فضای مجازی بسیاری از این امور نادیده گرفته می‌شود و دوستی با فردی ناشناس و بیگانه با حداقل بهانه یعنی دوستِ دوست ما بودن، به سادگی برقرار می شود. بنابراین دایره انتخاب دوست مجازی وسیع‌تر است. این وسعت به شدت ممکن است فرد را به انتخاب دوستان بی‌تقوا و در نتیجه ارتکاب اعمال ضد تقوا سوق دهد. مخصوصا آنکه سرعت و گستره دوست‌یابی در محیط سایبر به نسبت محیط واقعی بیشتر است.

۹. فضایی برای جلب توجه

در فضای شبکه‌های اجتماعی سایبری، تلاش برای انجام فعالیت جهت تعریف و تایید دیگران بسیار محتمل است. در واقع جلب توجه در شرایط محیط شبکه‌های اجتماعی با یک پست ساده می‌تواند اتفاق بیافتد. وقتی که همه هم و غممان پذیرش اجتماعی به معنای کسب تائید از جانب دیگران خواه به صورت لایک و کامنت اینترنتی باشد، آن وقت زندگی مان هر آن آبستن گناه است؛ زیرا همواره یا هراس از دست دادن داریم یا وسوسه به دست آوردن و این هر دو به یک اندازه ویرانگرند.

در این چنین فضایی فرد ترغیب می‌شود که مطالبی را انتشار دهد که تایید بیشتری از دیگران دریافت می‌کند. به همین دلیل ممکن است به هر رفتار غیرمتقیانه‌ای مانند انتشار عکس تحریک‌آمیز، انتشار جوک و... بیانجامد.

بسیاری از افرادی که برای جمع‌آوری لایک خود را به آب و آتش می‌زنند، به انتشار مطالب خلاف حیا و عفت رو خواهند آورد. وقتی این موضوع با تغییرات گام به گام مرز حیا (که توضیح آن آمد) در کنار هم قرار بگیرند، مشخص می‌شود که انتشار این مطالب نیز به تدریج بدتر می‌شود تا آن جا که به طور واضح از حیا فاصله می‌گیرد. این موضوع البته با اخلاق تبرج و خودنمایی در هم می‌آمیزد و شرایط را برای کاهش حیا بیشتر فراهم می‌کند. دریافت لایک بیشتر، کاملاً هم‌سو با میل آدمی به خودنمایی است. از نظر اخلاقی چنان‌چه فردی خودنمایی خویش را مهار نکند و دائم به آن دامن بزند، کم‌حیاتر خواهد شد. اینترنت علاوه بر آن که فضای خودنمایی را فراهم می‌کند، میل به خودنمایی را نیز گسترش می‌دهد.

۱۰. همرنگی با جماعت و ترک امر به معروف و نهی از منکر

ترسی که بعضی کاربران از برچسب‌هایی مثل «دگم» و «امل» در دل دارند آن ها را از هر کاری که احتمالاً موجب گرفتن این برچسب شود برحذر می‌دارد. آن ها تلاش می‌کنند یک شخصیت مدرن و امروزی از خود نشان

دهند و هر چیزی را که در نظر دیگر کاربران آن ها را از این شخصیت دور می‌کند ترک می‌کنند. این مسائل اندک اندک آن ها را از مرزهای تقوا دور می‌کند و به کارهایی می‌کشاند که شاید روز اول هرگز آن را انجام نمی‌دادند.

این مسئله در تقابل فرهنگ‌ها پررنگ‌تر می‌شود. وقتی کاربر اینترنتی، مخاطب فرهنگ‌های گوناگون می‌شود، به تدریج نوعی تساهل و تسامح در وی پدید می‌آورد. او اگر فرهنگ بیگانه را برتر نداند، دستِ‌کم فروتر از فرهنگ خویش نمی‌شمارد. همین ارزش‌گذاری، او را در رعایت ممنوعات فرهنگ خودش ضعیف می‌کند و درنوردیدن مرز این ممنوع‌ها، موجب کاهش تقوای فرد می‌شود (برگرفته از سایت باحجاب).

همرنگی با جماعت، همچنین باعث افتادن کاربران در مارپیچ سکوت می‌شود تا آنها جرات نهی از منکر نیز نداشته باشند. شبکه‌های اجتماعی زمینه بروز افکار عمومی و منبع توزیع عقایدند. همه ی ما درباره ی موضوعات چالشی و مناقشه برانگیز نظری داریم و حدس هایی می زنیم ولی آشکارا و با صدای بلند آنرا بیان نمی کنیم. غالبا مردم پیش از ابراز عقیده شان به این فکر میکنند که در اقلیت اند یا در اکثریت، با حمایت مواجه می شوند یا با شماتت. بسیاری اگر حدس بزنند در اقلیت اند سکوت می کنند و درباره ی نظراتشان با دیگران حرف نمی زنند. در نظریه های پیام ارتباطی به این اتفاق «مارپیچ سکوت» می گویند. هرقدر ما از ترس انزوا و حمله ی دیگران از ابراز نظراتمان پرهیز کنیم، این مارپیچ سکوت شدیدتر می شود یعنی صدای آنها بلندتر می شود.

کاربران فرهنگی شبکه‌های اجتماعی چنانچه عقاید خود را با صدای بلند فریاد نزنند در مارپیچ سکوت لال خواهند شد. به عبارت دیگر بتدریج خود به بخشی از جریان اصلی[۶] تبدیل خواهند شد.

در همین چارچوب می توان گفت که تحت تاثیر قرار دادن عمده کاربران منفعل و خاکستری شبکه‌های اجتماعی نه لزوماً از طریق انتشار مطالب انفرادی که از طریق تقویت یک گفتمان خاص در جریان اصلی ممکن است. به عبارت دیگر زمانی که در جریان اصلی شبکه‌های اجتماعی صدای خاص مخالف بگوش برسد، می توان انتظار داشت دیگرانی که منفعلانه و در انزوا در ابراز نظرشان تردید دارند، به شما بپیوندند. در غیر این صورت هم‌صدا شدن مصلحتی با جریان اصلی در نهایت هیچگاه زمینه جذب را فراهم نخواهد کرد.(یامین پور، ۱۳۹۱) در واقع در نهایت باید شاهد باشیم که این مارپیچ گناه همه را به سمت بی‌تقوایی و غفلت سوق دهد.

---

[۶] Main Stream

۱۱. بستر وقت‌گذرانی و سرگرمی

مهمترین عناصر یک سبک زندگی خوب در فضای مجازی را می توان مشخص بودن هدف، عدم اتلاف وقت و حضور بیهوده، مراجعه به سایت های معتبر و بهره گیری از آنها، ارتباط مفید و به موقع با دوستان، رفع خلا اطلاعاتی و آشنایی و ارتباط با افرادی که به نحوی میتوانند به کاربر کمک کنند دانست. اما به استناد صدها پژوهشی که در باب اعتیاد به اینترنت به ثبت رسیده، گشت و گذار بی‌هدف در اینترنت و اتلاف وقت یکی از شایع‌ترین بیماری‌های کاربران اینترنت است. شبکه‌های اجتماعی نیز این قضیه را تشدید نموده‌اند. چرا که نیاز کاربر را نسبت به از این شاخه به آن شاخه رفتن در سایت‌ها مرتفع کرده و همه را در صفحه شخصی یا همان دیوارگنجانده‌اند.

اینترنت و مخصوصا شبکه‌های اجتماعی سایبری به خاطر ویژگی‌هایی که دارند مانند تعاملی بودن، چندرسانه‌ای بودن، انتخابی بودن و... جذابیت‌های زیادی را برای مخاطبین ایجاد می‌کند و این جذابیت‌ها مقدمه‌ای برای وقت‌گذرانی‌های بیهوده و در نهایت اعتیاد اینترنتی است.

نتیجه‌گیری

اینترنت و فضای سایبر و مخصوصا شبکه‌های اجتماعی سایبری زندگی بشر کنونی را به شدت تحت تاثیر خود قرار داده‌اند و آن طور که از شواهد برمی‌آید دنیای آینده دنیای دیجیتالی است که نقش رسانه‌های نوین در آن همانند نقش برق در ۱۰۰ ساله اخیر است. این رسانه فراگیر هرچند محاسن بسیاری را در اختیار بشر امروزی قرار داده است اما معایبی هم دارد که نمی‌توان از آنها چشم پوشید. این مشکلات و معایب مخصوصا برای کشورها و حکومت‌هایی که پایبند به فرهنگ و یا دین خاصی هستند چندین برابر خواهد بود. چرا که در این کشورها فرهنگی اصالت دارد که با فرهنگ غربی و آمریکایی فاصله داشته و آرمانشهری را برای خود متصورند که هیچ شباهتی به آرمانشهر آمریکاییان ندارد. حکومت‌های اسلامی در حال حاضر بیشترین چالش را با رسانه اینترنت دارند چرا که این رسانه بر اساس قانون آزادی بیان و دسترسی اطلاعات سبب شده ساختار و محتوایی ایجاد شود که شهروندان مسلمان را به سمت دین‌گریزی و دنیاپرستی سوق دهد. در این بین تنها چاره کار استفاده از سلاح تقوا در برابر این حمله فرهنگی است.

به نظر می‌رسد بستر فضای سایبر طوری طراحی شده که اساسا بی‌تقوایی و ارتکاب گناه در آن ساده‌تر از فضای واقعی است. در این مقاله پژوهشگر با توجه به نظریه پارادایم دوفضایی شدن و آسیب‌های مجازی وارد میدان تحقیق شده، و با استفاده از پرسش‌هایی که بر مبنای این نظریه و تجربه زیسته پژوهشگر و نظر از اهالی فن، تهیه شده بودند به جمع‌آوری داده پرداخته است. لذا در وهله اول پژوهشگر برای دستیابی به عوامل بی‌تقوایی در محیط سایبر،

Wall

با استفاده از پارادایم دوفضایی ذهن خود را منسجم کرده و با مشاهده میدانی و پرسش‌هایی که بر اثر استفاده از این نظریه تکمیل شده‌اند، برخی عوامل کلیدی بی‌تقوایی در شبکه‌های اجتماعی سایبری را برشمارد (۱۱ مورد).

علل ساختاری بی‌تقوایی در محیط سایبر، می‌تواند کمک شایانی برای سیاستگذاری فضای مجازی باشد. چرا که با شناخت این علل، ریشه‌های گرایش به گناه در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی معلوم شده و بدین ترتیب می‌توان به صورت ریشه‌ای با این امر مقابله کرد.